

# چشم انداز منطقه شرق آسیا در سال ۱۹۹۸

نوشته دکتر بهزاد شاهنده - دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

کشید و جرتفیل های بزرگ ساختمانی از حرکت باز خواهد ایستاد. حتی چینی ها که تاکنون به مدد «پول نیمه تبدیلی»<sup>۵</sup> خود وزیر کی خاصی که در کاهش ارزش «یوان»<sup>۶</sup> (واحد پول جمهوری خلق چین) در چهار سال پیش تر از خود نشان دادند توانسته اند در برابر بحران مالی جاری منطقه ایستادگی کنند به زودی به خیل کشورهای بحران زده شرق آسیا - معروف به ببرها و بچه ببرها - خواهد پیوست.

شرکت های دولتی در چین بار گرانی بر دوش اقتصاد این کشور بوده اند و اگر چین بخواهد رقابت پذیری خود را در عرصه بازار جهانی حفظ کند باید در سیاست خود در قبال ۳۷۰ هزار شرکت دولتی موجود در کشور تغییراتی بدهد. بخش اشتراکی<sup>۷</sup> که زمانی موتور حرکت اقتصاد چین بود پیشاپیش آفت شدید خود را آغاز کرده است. بنگاه های اقتصادی روستاها و حومه شهرها هم دچار بحران مالی شده اند. هر چند نظام بسته چین سبب شده است این حقایق برای مدتی پنهان ماند و دولت پکن هم آنها را کتمان می کند ولی ادامه این روش به مرور زمان دشوارتر خواهد شد چرا که چین برای ورود به سازمان جهانی بازرگانی<sup>۸</sup> باید «شفافیت» را در کشور جاری سازد.

بیش از ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی کشور چین صرف «وام های بد» یعنی وام های با زیرداخت نشده گردیده است. در دیگر کشورهای منطقه که گرفتار بحران شدید مالی هستند این نسبت به بیش از دو برابر رقم بالا می رسد. در کره جنوبی وام های بد حدود ۱۲/۵ درصد تولید ناخالص داخلی را تشکیل می دهد. به همین دلیل برخی انتظار دارند سقوط اقتصاد چین با شدت بیشتری نسبت به کره جنوبی صورت گیرد. اگر چنین شود بحران اقتصادی که تا این زمان صرفاً محدود به منطقه شرق آسیا بوده است به بیرون از این منطقه هم سرایت خواهد کرد، زیرا سقوط اقتصاد چین هر چند گذرا باشد زلزله ای در اقتصاد جهان ایجاد خواهد کرد. در زمانی نه چندان دور همه نخبگان حکومتی مستقر در دژ «جونگ ن های»<sup>۹</sup> منکر مشکلات و تنگناهای اقتصادی چین بودند ولی اکنون حتی «جورونگ جی»<sup>۱۰</sup> نخست وزیر فعلی کشور و استاد بزرگ سیاست در های باز هم به آن معترف است.

منطقه شرق آسیای بزرگ، شامل شمال شرقی آسیا (چین، ژاپن، دو کره، تایوان یا چین تاییه<sup>۱</sup>، و «منطقه ویژه اداری»<sup>۲</sup> هنگ کنگ که از اول ژوئیه ۱۹۹۷ تحت کنترل جمهوری خلق چین قرار گرفته است) و جنوب شرقی آسیا<sup>۳</sup> (نه کشور آسه آن به همراه کامبوج) سال بسیار دشواری را پشت سر گذاشته است. هر چند چشم انداز منطقه نومیذ کننده نیست ولی در کوتاه تا میان مدت، شکوفایی سال های اخیر تکرار نخواهد شد.

تردید نیست که در آینده، همه کشورهای منطقه شرق آسیا کمر بندها را محکمتر خواهند بست و قطعاً در سال ۱۹۹۸ ورشکستگی های گسترده ای در این منطقه رخ خواهد داد چرا که شرکت های زیان ده دولتی و غیر دولتی که بار گرانی برای اقتصاد کشورهای منطقه بوده اند از حمایت های دولتی محروم و به ورشکستگی کشیده خواهند شد. ولی این خود، موهبتی است چرا که علت اصلی بحران فعلی، بی میلی نسبت به روبرو شدن با واقعیت ها بوده و اکنون ضعف ها در زمانی پدیدار شده است که امکان جبران آنها و تبدیلیشان به نقاط قوت وجود دارد و هنوز فرصت برای حل و فصل بحران و تضمین کردن آینده ای روشنتر موجود است. جالب توجه است که در زبان چینی واژه «لوان»<sup>۴</sup> به هر دو معنای فرصت و بحران به کار می رود. در واقع این دو موقعیت دوروی یک سکه اند و در بحران هاست که فرصت های جدید رخ می نماید.

کیم-دی جانگ<sup>۴</sup>، پانزدهمین رئیس جمهور کره جنوبی و نخستین رئیس جمهوری که از حزب مخالف بر این مسند تکیه زده به مردم قول داده است که دیگر دولت از شرکت ها و مؤسسات اقتصادی ورشکسته حمایتی نخواهد کرد.

پیش بینی های مثبت و خوشبینی که در آغاز سال ۱۹۹۷ در مورد جلب سرمایه گذاری مستقیم خارجی، رشد اقتصادی و ایجاد مشاغل جدید (حفظ اشتغال نسبتاً کامل با پایین ترین سطح بیکاری) می شد در اواسط سال ۱۹۹۸ که بحران فعلی اثرات خود را نمایان خواهد ساخت کاملاً دگرگون و تا حد زیادی وارونه خواهد شد. ساختمان سازی و تجارت املاک که بویژه در تایلند فاجعه آفرین بوده است به کندی خواهد

راحت‌تر از سر خواهند گذراند و برخی دیگر با مشکلاتی روبرو خواهند شد. در نتیجه این تجدید سازماندهی جان تازه‌ای به کالبد کشور دمیده خواهد شد، افکار جدیدی در اذهان جاری خواهد گردید، فرصت‌های جدیدی به‌وجود خواهد آمد و راه برای توسعه چشمگیر تر و در سطحی بالاتر که همانا نیاز کشورهای گرفتار بحران میانسالی است هموار خواهد شد. نتیجه این تحول آن خواهد بود که بپرها در آینده گام‌های بلندتر و استوارتری به‌سوی موفقیت بردارند.

مسلماً اتخاذ سیاست‌های اصولی و طاققت فرسا خواه‌ناخواه بر محبوبیت هر رژیمی تأثیر منفی به‌جا خواهد گذاشت. بویژه پذیرش هر درجه‌ای از ریاضت اقتصادی برای مردم این بخش از جهان که به نرخ رشد ۸ درصدی خو گرفته و طی دو دهه گذشته سطح زندگی بالایی را تجربه کرده‌اند دشوار است. در چنین شرایطی نقش رهبری اهمیتی دوچندان خواهد یافت. در این راستا مقایسه دو کشور کره جنوبی و اندونزی آموزنده است. در کشور ۲۰۰ میلیون نفری اندونزی که بزرگترین کشور مسلمان جهان به‌شمار می‌رود بحران مالی در حالی دامن گسترده است که به دلیل وضع بد جسمانی سوهار توی ۷۶ ساله و مشخص نبودن جانشین این حاکم نظامی و نیز نبود سنت دست به‌دست شدن مسالمت آمیز قدرت در این کشور، «بحران جانشینی»<sup>۱۷</sup> هم رخ می‌نماید.<sup>۱۸</sup>

اندونزی در دو دهه گذشته با اصلاحات اقتصادی موفق، توسعه نسبتاً پایداری را تجربه کرده و همراه با تایلند و مالزی به‌عنوان سنگاپورهای آینده شناخته شده است. ولی به دلیل فساد دولتی، نداشتن نظام نیرومند بانکی و مالی که منطبق با نظام جدید بین‌المللی باشد، صرف سرمایه‌های کلان در طرح‌های غیراقتصادی و... آسیب‌پذیر گشته و بحران مالی گریبانگیر آن کشور شده است. هر چند اندونزی با دریافت کمک ۴۰ میلیارد دلاری صندوق بین‌المللی پول (IMF) و کمک گرفتن از ژاپن، استرالیا، سنگاپور و مالزی در آستانه بیرون آمدن از وضع وخیم تجاری-اقتصادی است ولی مسئله جانشینی به‌نات سیاسی این کشور آسیب رسانده و در نتیجه ارزش برابری رویه اندونزی را به کمتر از ۶۰۰۰ رویه در برابر هر دلار رسانده است.<sup>۱۹</sup> بدین ترتیب وضع سیاسی کشور هم به‌طور مستقیم و هم به‌طور غیرمستقیم بر طرح‌های نجات‌بخش اثر منفی خواهد گذاشت.

در مقابل، انتخاب «کیم-دی جانگ» به‌مقام ریاست جمهوری جدید کره جنوبی زمینه سیاسی مساعدی برای اجرای طرح‌های بنیادین اقتصادی فراهم ساخته است چرا که مردم آماده‌اند به این رهبر جدید فرصت بیشتری برای حل بحران اقتصادی کشور دهند. درخواست «کیم-دی جانگ» از مردم کره جنوبی برای مصرف کمتر و پس‌انداز بیشتر (محکمتر کردن کمربندها) باید با پاسخ مثبت روبرو شود و گرنه این کشور با بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار دیون خارجی نخواهد توانست بر مشکلات عدیده خود چیره شود. پیش‌بینی می‌شود که‌ای‌ها که مردم بسیار کشور دوستی هستند از کیم حمایت و آینده را برای خود تضمین

وضع تأسف بار امروز زاده عوامل متعددی است که مهم‌ترین آنها سیاست‌های نادرست گذشته بوده است. در واقع، بحران جاری منطقه بیشتر نتیجه همین سیاست‌های نادرست نخبگان حکومتی است و نه دلایل اقتصادی-مالی که در کتاب‌های درسی اقتصاد از آنها یاد می‌شود. یکی از دلایل اصلی گرفتار شدن کشورهای منطقه شرق آسیا به بحران مالی، دلبستگی سیاستگذاران این کشورها به طرح‌های پرزرق‌وبرق حیثیتی بوده است مانند طرح ساخت برج‌های دوقلوی مالزی که کاشی‌کاری داخلی‌شان به‌دست استادکاران اصفهانی صورت گرفته است، طرح ایجاد فرودگاه بزرگ کوالالامپور، طرح کلان ایجاد پایتخت جدید مالزی در نزدیکی کوالالامپور، طرح‌های بزرگ و پرهزینه ساختمانی در تایلند که استفاده از آنها در حد توان مالی مردم طبقه متوسط این کشور نیست و بی‌استفاده مانده است، طرح تولید خودروی ملی اندونزی به نام تیمور<sup>۱۱</sup> که با همه تمهیدات مالی صورت گرفته حتی فروش آن در داخل کشور هم با مشکل روبروست، طرح تولید هواپیمای حمل‌ونقل در اندونزی با سرمایه ۲ میلیارد دلاری. دو طرح اخیر از جمله طرح‌های پروفیسور بی. جی. حبیبی<sup>۱۲</sup> وزیر تحقیقات و تکنولوژی اندونزی است که از امیدواران احراز مقام ریاست جمهوری پس از سوهار توی ۷۶ ساله می‌باشد. اینگونه طرح‌ها بارگرانی بر دوش اقتصاد کشور می‌گذارد. در هر یک از سه کشور مالزی، تایلند و اندونزی در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۶ نزدیک به ۸۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی صورت گرفته است که عمدتاً صرف پروژه‌های غیر سودآوری همچون طرح‌های پیش‌گفته شده است. در فیلیپین هم که دیرتر از سه کشور بالا گام در مسیر توسعه گذاشته است ۲۳ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی صورت گرفته که بخش عمده آن صرف آماده‌سازی محل اقامت و سالن اجلاس نوامبر ۱۹۹۶ سران اپک<sup>۱۳</sup> از جمله پاکسازی تپه‌های مجاور محل برگزاری اجلاس از آلونک‌نشین‌های تهیدست فیلیپینی شده است. هزینه این اجلاس هرگز رسماً اعلام نشد. در کشور چین هم ساخت سدهای بزرگی همچون سد سه تنگه<sup>۱۴</sup> روی رودخانه یانگ‌تسه و سد «شیائولنگ‌وی»<sup>۱۵</sup> روی رودخانه زرد از طرح‌های مورد علاقه «لی‌پنگ» نخست‌وزیر پیشین این کشور بوده است.

با وجود این، درست همان کشورهایی که در بدترین وضعیت مالی قرار دارند (تایلند و کره جنوبی) و بیشتر گرفتار تنگنای اقتصادی هستند نخستین کشورهایی خواهند بود که از بحران خلاصی پیدا می‌کنند. هم تایلند (با ۱۴۹ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی) و هم کره جنوبی (با ۵۴۳ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی) که آن کشور را در مکان یازدهمین قدرت اقتصادی جهان جای داده است (دارای سرمایه‌های انسانی و غیر انسانی بزرگی هستند که مایه نجاتشان خواهد شد).

پیش‌بینی می‌شود که تجدید سازماندهی عمیقی در کل منطقه صورت گیرد زیرا برای کشورهایی که در بحبوحه بحران میانسالی<sup>۱۶</sup> هستند چاره‌ای جز این وجود ندارد. البته برخی کشورها این تغییرات را



کنند. در تایلند هم بارهبری جدید نخست‌وزیر «چوان لیکچای»<sup>۲۰</sup> اوضاع آرام‌تر و امیدوار کننده‌تر است. احتمالاً مردم تایلند هم به ندای پادشاه خود «بومیبول ادولیاچ» (رامای نهم)<sup>۲۱</sup> که از احترام و ویژه‌ای نزد ملت خویش برخوردار است و در مدت ۵۱ سال حکومت سلطنتی مشروطه خود، عملاً عامل ثبات سیاسی و اقتصادی کشور بوده است پاسخ مثبت خواهند داد. بدین ترتیب می‌بینیم که دو کشور کره جنوبی و تایلند که در بدترین وضعیت نسبت به دیگران قرار دارند به‌علل بالا بویژه عامل رهبری جدید در کره جنوبی و قدرت کاریز ماتیک پادشاه در تایلند، احتمالاً زودتر از دیگران بحران را پشت سر خواهند گذاشت.

دیگر رهبری که قدرت جلب همراهی مردم با برنامه‌های ریاضت‌طلبانه را دارد ماهاتیر محمد نخست‌وزیر مالزی است که از سال ۱۹۸۱ در این کشور اسلامی در رأس قدرت بوده است و موتور توسعه این کشور به‌شمار می‌رود.<sup>۲۲</sup> رودان سوهارتوی ۷۶ ساله هم که از لحاظ جسمی در وضع خطرناکی به‌سر می‌برد چنانچه سلامتی خود را باز یابد یا نسبت به حل بحران جانشینی اقدام کند و شخص نیرومندی را به‌عنوان نامزد ریاست جمهوری انتخابات مارس آینده معرفی کند می‌تواند به نجات کشور بحران‌زده خود امیدوار باشد.

البته چیره شدن بر بحران جاری برای کشورهای منطقه آن اندازه هم که برخی از صاحب‌نظران مطرح ساخته‌اند دشوار نخواهد بود، چرا که توان بالقوه این کشورها چشمگیر است، اقتصاد آنها با اقتصاد جهان گره خورده، و شکوفایی آینده کشورهای چین و ژاپن و حتی آمریکا در گرو نجات فوری این کشورها از ورطه بحران است. طوفانی که در ژوئیه ۱۹۹۷ از تایلند شروع به وزیدن کرد بزودی به کشورهای جنوب شرقی آسیا نیز رسید، در اکتبر، منطقه ویژه اداری هنگ کنگ را در نور دید و در نوامبر به کره رسید. با شروع سال نو میلادی و اتخاذ سیاست‌های جدید از سوی کشورهای بحران‌زده و با کمک‌های چشمگیر نهادهای مالی بین‌المللی و کمک‌های قابل توجه ژاپن به کره طوفان برپا شده فروکش کرد و در میان مدت آرام آرام تحت کنترل قرار خواهد گرفت. اقدامات صورت گرفته در تایلند و کره جنوبی سودمند بوده است. برخی سرایت بحران به کره جنوبی را آغاز برپاشدن طوفان در چین می‌دانند و از همین رو پیش‌بینی می‌کنند که در این صورت مشکلات و نامایمات سختی منطقه را در بر خواهد گرفت. ولی باید توجه داشت که چین کشوری نیست که توان رها ساختن خود را از بحران نداشته باشد یا دیگران آن را به‌حال خود رها کنند.

تایلندی‌ها اکنون توانسته‌اند بحران شدید ماه‌های گذشته را تحت کنترل در آورند و با دریافت کمک ۱۷ میلیارد دلاری از صندوق بین‌المللی پول و حضور فعالانه مردم در کمک به کشورشان بر اوضاع مسلط شوند. هر چند سال ۱۹۹۸ برای همه مردم شرق آسیا، حتی برای ژاپن، تایوان و سنگاپور که نسبت به دیگران کمتر زیان دیده‌اند و بویژه برای تایلندی‌ها سال دشواری خواهد بود ولی انتظار می‌رود که پس از گذشت یک سال اوضاع به‌حالت سال ۱۹۹۶ باز گردد.

به‌طور کلی کشورهای آسیایی که گام‌های بلندتر و استوارتری در مسیر دموکراسی برداشته و روحیه مسئولیت‌پذیری در آنها رواج قابل توجهی دارد مانند کره جنوبی، تایوان، تایلند، و فیلیپین با موفقیت بیشتری با بحران روبرو و مردم آنها سیاست‌های ریاضتی را بهتر پذیر خواهند شد چرا که مردم احساس مشارکت بیشتری در نظام سیاسی می‌کنند.

پذیرش ریاضت اقتصادی برای مردم اندونزی به مراتب دشوارتر خواهد بود زیرا به دلیل بحران جانشینی، نوعی یأس و نومیدی کشور را فراگرفته است. اندونزی با جمعیتی بالغ بر ۲۰۰ میلیون نفر و دارا بودن ۱۷ جزیره با مساحتی برابر یک میلیون کیلومتر مربع و پراکندگی جغرافیایی چشمگیر (به نحوی که از شمال سوماترا تا ایران جایا<sup>۲۳</sup> عرض جغرافیایی اندونزی شبیه کل قاره اروپاست) و تولید ناخالص داخلی ۲۳۳/۵ میلیارد دلاری، کشوری است که مدیریت بر آن بسیار دشوار است و نمی‌توان آن را با اداره سنگاپور که تنها یک شهرداری بزرگ است مقایسه کرد. با این حال، عوامل چارچوبی<sup>۲۴</sup> مانند نهادها، رفتار و نگرش مردم، سطح آموزش، سطح پس‌انداز نسبت به تولید ناخالص داخلی، بالا بودن درصد هزینه‌های آموزشی نسبت به تولید ناخالص داخلی که در مالزی به ۴۰ درصد می‌رسد<sup>۲۵</sup> به دو کشور اندونزی و مالزی امکان خواهد داد که به شکل بهتری با طوفان برپا شده در منطقه مقابله کنند. روحیه تحمل‌پذیری مالایی‌ها که شهره خاص و عام است به‌خوبی توسط ماهاتیر محمد مورد بهره‌برداری قرار گرفته و مردم مالزی سیاست‌های سخت‌گیرانه معاون وی انور ابراهیم را پذیرا گشته‌اند.

در سال‌های اخیر برخی از محققان به دلیل نداشتن شناخت درستی از عوامل (انسانی و غیر انسانی) قدرت نهفته در آسیا، نسبت به شکوفایی اقتصادی شرق آسیا ابراز تردید نموده و در پایداری رشد این منطقه شک کرده‌اند. از جمله این پژوهشگران می‌توان از پروفیسور پل کروگمان<sup>۲۶</sup> استاد دانشگاه استنفورد آمریکا یاد کرد که کتابی با عنوان معجزه سوسیسیس سزان<sup>۲۷</sup> در رد پایداری توسعه کشورهای شرق آسیا نوشته است. کروگمان تنها عامل سرمایه‌گذاری خارجی و پایین بودن دستمزد کارگران در این کشورها را عامل پیشرفت آنها در سال‌های گذشته می‌داند و می‌گوید از آنجا که اکنون با کاهش سرمایه‌گذاری‌های خارجی و بالا رفتن دستمزدهای داخلی هر دو عامل مزبور پویایی خود را از دست داده‌اند کشورهای مورد بحث گرفتار نوعی بحران همیشگی خواهند شد. هر چند در ظاهر، بروز بحران فعلی چنین استدلال‌هایی را تقویت کرده است ولی با انجام مطالعات میدانی می‌توان دریافت که این بحران تنها نوعی بحران میان‌سال است که کشورهای مذکور با برخورداری از توان بالقوه بالا و بهره‌مندی از عوامل چارچوبی پیش‌گفته بر احوالی آن را پشت سر خواهند گذاشت.<sup>۲۸</sup>

نظریه پردازان خشک‌اندیشی که در دنیای بسته خود زندگی می‌کنند و از لحاظ مشاهده و پذیرش واقعیت‌های ملموس دچار ضعف شدیدی هستند هنوز هم در سر کلاس‌های درس خود نظریه‌های فرانک،



و اقتصاد همچون دوبازوی قدرت بالقوه تايلند متجلی خواهد گشت. گرچه طبق پیش‌بینی‌ها نرخ رشد تولید ناخالص داخلی این کشور برای سال جاری میلادی ۱/۴ درصد خواهد بود که با نرخ ۸ درصدی تجربه شده در سال‌های اخیر تفاوت چشمگیری دارد ولی براساس برآوردها این کشور در سال ۱۹۹۹ به نرخ رشد ۵ درصدی و پایداری توسعه دست پیدا خواهد کرد. بحران مالی اخیر سبب شده است که مردم تأکید بیشتری بر سلامت و مسئولیت‌پذیری دولت داشته باشند زیرا وضع اسفبار فعلی خود را ناشی از سیاست‌های نادرست و خودکامگی رهبران گذشته می‌دانند.

یکی دیگر از امتیازات تايلند، بهره‌مندی از رفتار ویژه ژاپن است. در جنگ جهانی دوم هم ژاپن هرگز تايلند را مستقیماً به اشغال خود در نیارود و با همکاری با نظام پادشاهی این کشور، موجب تداوم آن شد. ۳۱ در واقع ژاپن به هیچ قیمتی حاضر نیست تايلند بیش از این گرفتار بحران شود و قطعاً به کمک این کشور خواهد شتافت. کمک‌های ژاپن با قدرت اقتصادی-تجاری چشمگیری که دارد (با ۴۵۴۵ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی و نرخ رشد ۲/۲ درصدی) مانع از تبدیل شدن تايلند به یک کشور پیرامونی خواهد شد.

بحران تايلند منحصر به این کشور نیست و بسیاری از کشورهای منطقه شرق آسیا از همین ناخوشی خطرناک در رنجند البته برخی از این کشورها به دلیل گرفتار بودن به بحران‌های غیراقتصادی نظیر بحران جانشینی توان کمتری برای حل بحران اقتصادی خود دارند. اندونزی یکی از اینگونه کشورهاست. این کشور در سال‌های اخیر اصلاحات اقتصادی و تجاری موفقی را به اجرا گذاشته و توانسته است خود را از نظام اقتصاد تک محصولی متکی به نفت نجات دهد به طوری که در حال حاضر صادرات نفتی اندونزی کمتر از صادرات غیرنفتی آن می‌باشد. چنین سیاستی با توجه به حجم ذخایر نفتی این کشور که در حال حاضر بالغ بر ۵/۲۰ میلیارد بشکه (در مقایسه با ۹۳/۷۰ میلیارد بشکه ذخایر ایران) ۳۳ است خردمندانه‌تر جلوه می‌کند. امروزه اندونزی موفق شده است خود را در عرصه کالاهای ساخته شده که ارزش افزوده بیشتری نسبت به مواد خام دارند در دنیا مطرح سازد. اما این کشور جزیره‌ای با جمعیت ۲۰۰ میلیونی خود با مشکل بزرگی به نام عدم اطمینان از آینده رهبری کشور روبروست که اقتصاد زخم خورده آن را بحران زده‌تر می‌سازد. در طول ۵۰ ساله که از استقلال اندونزی می‌گذرد هیچگاه انتقال قدرت در آن به شکل مسالمت‌آمیزی صورت نگرفته است. سرنوشت انتخابات مارس ۱۹۹۸ در هاله‌ای از ابهام قرار دارد زیرا سوار تو که از سال ۱۹۶۷ زمام امور کشور را در دست دارد به سختی بیمار است و نه شرکت یا عدم شرکت خود را در ششمین دور انتخابات ریاست جمهوری اعلام نموده و نه کسی را به عنوان جانشین خود معرفی کرده است. از طرفی هیچ‌یک از چهره‌های مطرح (حیبی وزیر تحقیقات و تکنولوژی، تونجانگ فیصل ۳۳ از نظامیان، ترای سوت ریس نو ۳۴ معاون رئیس‌جمهور و از شخصیت‌های نظامی و...) در حد و اندازه خود

والرشتاین و سمیرامین (نظریه‌های وابستگی) را موعظه می‌کنند و با تقسیم جهان به مراکز ثروت و قدرت، و کشورهای استعمار شده و تهیدست پیرامون، روابط مرکز و پیرامون را بر اساس مبادله‌ای نابرابر می‌دانند که طی آن مرکز با نفوذ در کشورهای پیرامون و توسعه نیافته نگهداشتن آن در پی همیشگی ساختن سلطه خود و هرچه ثروتمندتر شدن است. مباحث ارائه شده از سوی کروگمان هم نوع تازه‌ای از همین گونه استدلال‌هاست که در آن به شکل‌گیری صنایع بومی ۲۹ در این کشورها مانند صنعت خودروسازی در کره جنوبی که این کشور را در مقام ششمین کشور بزرگ تولیدکننده خودرو نشانده است یا صنعت کشتی‌سازی که این کشور مقام نخست را در عرصه آن داراست، و نیز صنعت تولید نیمه‌هادی‌ها در مالزی که آن کشور مقام سوم را در زمینه آن به خود اختصاص داده است یا صنعت پیشرفته الکترونیک در تايلند و... هیچ اشاره‌ای نمی‌شود. نمی‌توان پذیرفت که کشورهایی مانند سنگاپور، کره جنوبی، تایوان و منطقه ویژه اداری هنگ کنگ که از جمله کشورهای تازه توسعه یافته جهان به‌شمار می‌آیند و هر یک در صنعت، بانکداری، سیستم‌های ارتباطی و ماهواره‌ای و... پیشتاز هستند در بحران اخیر به زانو در آیند.

هر چند احتمال اینکه «ببرها»ی شرق آسیا به ر کودکشانده شوند با توجه به قدرت‌های بالفعل و بالقوه‌ای که در این کشورها وجود دارد بسیار ناچیز است ولی احتمال نزدیک شدن تايلند به مرحله ر کود وجود دارد. در واقع تايلند نخستین کشوری بود که دچار بحران مالی اخیر گردید. تايلند که تا چندین پیش به همراه مالزی و اندونزی به عنوان یکی از سه هوپیمای آماده ر هسپار شدن به سوی توسعه یافتگی و پیمودن راه سنگاپور برای تبدیل شدن به یک کشور توسعه یافته در ربع اول سده بیست و یکم به‌شمار می‌آمد به دلیل پیگیری سیاست‌های نادرست و عدم سرمایه‌گذاری در آموزش متوسطه و عالی که می‌توانست موجب دوام و ارتقای سطح کیفی نیروی انسانی کشور شود در چنگال این بحران گرفتار شده است. از ماه ژوئیه سال گذشته که بحران نمود آشکارتری در تايلند پیدا کرد در ظرف مدت شش ماه ۳۰ درصد از ارزش «بات» واحد پول این کشور کاسته شد و بحران از کنترل دولت خارج گردید. ۳۰ در چنین شرایطی تايلند راهی جز پذیرش سیاست‌های ریاضت‌منشانه تجویز شده از سوی صندوق بین‌المللی پول برای دریافت وام ۱۷ میلیارد دلاری این مؤسسه بین‌المللی نداشت. کاهش ارزش «بات» باعث افزایش صادرات تايلند و کاهش کسری بودجه (متوازن شدن تراز تجاری کشور) خواهد گردید. از آنجا که کالاهای صادراتی تايلند با کمک، تکنولوژی و تحت نظارت ژاپن ساخته می‌شود برای این کالاها که اخیراً از کیفیت مطلوبی برخوردار شده است بازار خوبی وجود خواهد داشت. با وجود رهبری کاریزماتیک «رامای نهم»، تقویت روند دموکراسی با تصویب قانون اساسی جدید در سپتامبر گذشته، و نهادینه شدن تدریجی تفکیک قوا و نظارت سه قوه بر یکدیگر احتمال تکرار سیاست‌های نادرست و گاه غیرمسئولانه گذشته کاهش می‌یابد و بدین ترتیب سیاست



سوهار تو نیستند و در زمانی که کشور بهر هری نیرومند نیاز دارد هیچ یک از آنها سابقه درخشانی در این زمینه ندارد.<sup>۳۵</sup>

اندونزی جدای از موفقیت‌های چشمگیر اقتصادی، رهبری غیررسمی آسه آن را نیز که به اعتقاد برخی موفق‌ترین جامعه اقتصادی جهان است و در سال‌های اخیر گام‌هایی نیز در جهت نهادینه ساختن همکاری‌های سیاسی-امنیتی میان اعضا برداشته است در دست دارد. نقش کلیدی جاکار تا در مناسبات منطقه‌ای سبب گردیده است که خود کشورهای بحران زده منطقه جنوب شرقی آسیا به یاری اندونزی بشتابند چرا که تداوم و افزایش فشارها بر این کشور می‌تواند عواقب ناگواری برای همگرایی اقتصادی و سیاسی-امنیتی منطقه به وجود آورد و حوزه تجارت آزاد آسه آن<sup>۳۶</sup> و نیز مجمع منطقه‌ای آسه آن<sup>۳۷</sup> را دچار بحران سازد. به همین دلیل سنگاپور و مالزی به ترتیب ۱۰ میلیارد و ۱ میلیارد دلار به اندونزی کمک کرده‌اند.

همچنین از نقش ژاپن در حل بحران مالی اندونزی نباید غافل بود زیرا روابط ژاپن با اندونزی نو (اندونزی سوکارنو و سوهارتو) از اهمیت استراتژیک برخوردار است و بخش اعظم سرمایه‌گذاری‌های ژاپن در منطقه جنوب شرقی آسیا در اندونزی صورت گرفته است. از همین رو به سود توکیو نخواهد بود که جاکار تا را به حال خود رها سازد. روابط توکیو-جاکار تا را می‌توان با روابط توکیو-بانکوک قابل مقایسه دانست هر چند به اعتقاد برخی، رهبران ژاپن برای مناسبات خود با اندونزی اهمیت بیشتری قائلند.<sup>۳۸</sup>

با همه اینها نباید از نظر دور داشت که با توجه به افزایش دستمزدهای محلی بویژه در کره جنوبی که هزینه‌های کارگری آن کشور با هزینه‌های کشورهای پیشرو اتحادیه اروپا برابری می‌کند و نیز با حضور قوی تر از گذشته چین و هندوستان به عنوان قدرت‌های بزرگ اقتصادی آینده در آسیا و بر خوردار نبودن برخی از کشورهای شرق آسیا همچون تایلند از کارگران ماهر، تعدادی از این کشورها دیگر برای سرمایه‌گذاران خصوصی جذابیت گذشته را نخواهند داشت. این در حالی است که در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۶ در هر یک از کشورهای تایلند، مالزی و اندونزی بالغ بر ۸۰ میلیارد دلار و در کشور فیلیپین که به تازگی وارد مرحله توسعه پایدار شده و آینده درخشانی دارد ۲۳ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی صورت گرفته است.<sup>۳۹</sup> در سال جاری سفته‌بازان ارز و سرمایه‌داران خصوصی ببرهای زخمی شرق آسیا را زیر نظر خواهند گرفت تا ببینند آیا آنها روش‌های گذشته خود را کنار می‌گذارند و سیاست‌های دیکته شده از سوی صندوق بین‌المللی پول را عملی می‌سازند یا نه.

در تایلند اقدامات لازم در راستای فرمول‌های دیکته شده به وسیله صندوق بین‌المللی پول به عمل آمده است. بزرگترین مشکل دولت بانکوک، جمع‌آوری ثروت کافی برای مقابله با هزینه‌هاست. با وجود سه نوبت کاهش بودجه و افزایش مالیات‌ها هنوز کاهش لازم در هزینه‌های دولتی صورت نگرفته است. پذیرش سیاست‌های ریاضت‌منشانه دولت

برای مردم تایلند دشوار خواهد بود چه آنها در سال‌های گذشته شاهد دو برابر شدن حجم اقتصاد کشورشان در هر ده سال بوده‌اند. سرمایه‌گذاری و تشویق صنعت جهانگردی و نیز صادرات که با کاهش ارزش «بات» قدرت بیشتری پیدا خواهد کرد از ز لازم برای اجرای خواست‌های صندوق بین‌المللی پول را در اختیار دولت این کشور قرار خواهد داد و از نوزمینة مساعدی برای سرمایه‌گذاری فراهم خواهد ساخت.

مشکل تایلند در مورد کره جنوبی هم صدق می‌کند البته با این تفاوت که تحمل سیاست‌های ریاضت‌منشانه برای کره‌ای‌ها دشوار تر است چرا که مردم کره جنوبی مدت طولانی تری در شکوفایی اقتصادی به سر برده‌اند. سرانه تولید ناخالص داخلی کره جنوبی ۱۱ هزار دلار و برای تایلند ۲۴۴۰ دلار است که به معنی آن است که مردم کره جنوبی ناچار از پذیرش سطح زندگی پایین تری می‌باشند.<sup>۴۰</sup> فشار سیاسی ناشی از بحران اقتصادی در کره جنوبی را نباید دستکم گرفت. همین امر، وظیفه «کیم-دای جانگ» را نسبت به چهارده رئیس‌جمهور پیشین کشور خطیرتر می‌سازد چه در ماه‌های گذشته هیچ کشوری مانند کره جنوبی شاهد این درجه از سقوط اقتصادی نبوده است.

صندوق بین‌المللی پول در یک طرح واحد، مبلغ ۶۰ میلیارد دلار برای نجات یازدهمین قدرت اقتصادی جهان منظور کرده است و در عوض، اصلاحات بسیاری را از کره جنوبی انتظار دارد که اجرای آنها برای مردم و دولت این کشور بسیار دشوار خواهد بود. صندوق در این طرح از یاری ۱۳ کشور صنعتی جهان برخوردار است. «لینگ چانگ یول»<sup>۴۱</sup> وزیر جدید تجارت کشور، صندوق پس‌اندازی با سرمایه اولیه‌ای بالغ بر ۸ میلیارد دلار تشکیل داده است تا به کمک آن بتواند تعهدات بانک‌های ورشکسته را ادا نماید. برنامه‌ای که صندوق برای کره جنوبی در نظر گرفته عبارت است از تغییر سیاست مالی، بازار سرمایه، باز کردن بخش مالی کشور، اجازه دادن به بانک‌های خارجی برای گشایش شعبات خود در کره جنوبی، مدیریت بهتر ذخایر ارزی کشور که به معنی افزایش کنترل بانک مرکزی کره نسبت به گذشته است، اجرای سیاست‌های ارزی حساب شده، اعمال سیاست دقیق تر و حساب شده تری در زمینه اعطای وام<sup>۴۲</sup>، پیروی از سیاست‌های سنجیده تر تجاری، سیاست‌های بازار کار، سیاست مالی و انتشار آمار و اطلاعات.<sup>۴۳</sup>

ملموس ترین تأثیر بحران، دستکم در کوتاه مدت، شدت گرفتن قطب‌بندی منطقه‌ای خواهد بود. در پیشاپیش این حرکت، آسه آن به طور مشخص تلاش خواهد کرد بازرگانی را در میان اعضای نه‌گانه خود افزایش دهد و حوزه تجارت آزاد آسه آن را حتی پیش از سال ۲۰۰۳ ایجاد نماید تا بدین ترتیب بتواند در مقابل قدرت فزاینده چین قاره‌ای و هندوستان ایستادگی نماید. گرفتار بودن کشورهایمانند اندونزی، مالزی، تایلند، فیلیپین و تاحدی سنگاپور (یعنی پنج عضو بنیانگذار آسه آن) در بحران اقتصادی، توان آنها را برای یاری رساندن به لاوس و تعدیل نظام در این کشور و نیز به سر عقل آوردن نظامیان



تولیز یون رنگی را در بر می گیرد بر مشکلات موجود در منطقه خواهد افزود. چین که تا چندی پیش خود را از بحران مالی که از ژوئیه ۱۹۹۷ در تایلند برپا شد مصون می دانست اینک به اندیشه افتاده و بحران بالقوه را پذیرفته است. پیش بینی می شود که در اجلاس ماه مارس کنگره ملی خلق چین (پارلمان کشور) بخش دولتی دستخوش تحولات گسترده ای گردد، زیرا اگر چین بخواهد قدرت رقابت خود را در جهان حفظ کند بناچار باید ۳۷۰ هزار شرکت دولتی این کشور که بیشترشان بارسنگینی بردوش دولت پکن می باشند دگرگون شوند. در سال گذشته با تعدیل کوچکی که در این راستا صورت گرفت ۱۲ میلیون نفر بیکار شدند و اگر خانه تکانی لازم انجام گیرد چین با میلیون ها نفر بیکار روبرو خواهد شد. حتی اگر چین شرکت های زیان ده دولتی خود را حفظ کند باید تا سال ۲۰۰۰ یعنی دو سال دیگر، بیش از ۲۰ میلیون شغل جدید ایجاد نماید. انجام چنین خانه تکانی بر مخاطره ای از نخستین وظایف ائتلاف «جیانگ زمین» رئیس جمهور و دبیر کل حزب کمونیست ۵۹ میلیون نفری چین و «جورونگ جی» معاون نخست وزیر فعلی است که به احتمال بسیار، از اجلاس ماه مارس کنگره ملی نخست وزیر کشور و جانشین «لی یینگ» طراح و طلایه دار سیاست در های باز چین خواهد شد.<sup>۴۷</sup> موفقیت ائتلاف جیانگ - جودر زمینه سروسامان دادن به وضع اسف بار شرکت های دولتی، چین را در موقعیت بهتری برای رقابت در منطقه و افزودن بر مشکلات دیگر کشورهای شرق آسیا قرار خواهد داد.

هر گونه افول تجارت و اقتصاد شرق آسیا به دلیل پیوندهای چشمگیری که این منطقه با جهان خارج دارد در دیگر مناطق جهان بویژه غرب تأثیر منفی شدیدی به جا خواهد گذاشت. برخلاف شایعاتی که در مورد خشنودی غربی ها از مشاهده افول اقتصادی شرق آسیا وجود دارد آنان به هیچ وجه خشنود نیستند زیرا دشواری هایی که مردم منطقه شرق آسیا با آنها دست به گریبانند صرفاً مختص آنان نخواهد بود. ایالت های غرب آمریکا واقع در حاشیه اقیانوس آرام مانند کالیفرنیا و واشینگتن که دادوستد بیشتری با منطقه شرق آسیا دارند زیان سنگینی از رکود اقتصادی این منطقه خواهند دید. برای نمونه، ۲۵ درصد از بازار بخش صنایع الکترونیک و کامپیوتر آمریکا در منطقه شرق آسیا متمرکز است که به دلیل بروز بحران مالی، از رونق خواهد افتاد.<sup>۴۸</sup>

کاهش شدید ارزش پول کشورهای چینی جنوبی، اندونزی، تایلند، مالزی، فیلیپین، سنگاپور و هنگ کنگ برای صادرات آمریکا به این منطقه دشواری هایی به وجود خواهد آورد. بر اساس یک برآورد، به سبب رکود اقتصادی در شرق آسیا و کاهش شدید صادرات به کشورهای این منطقه، تنها در کالیفرنیا ۷۰ هزار نفر از کار بی کار خواهند شد. صنایع الکترونیک و کامپیوتر آمریکا عمدتاً در دره سیلیکون واقع در ایالت کالیفرنیا متمرکز است. این در حالی است که کالیفرنیا حتی پیش از بروز بحران در شرق آسیا با مشکل حاد بیکاری روبرو بود. با توجه به این واقعیات روشن می شود که شتاب صندوق بین المللی پول و سیزده

حاکم بر میانمار هر چه محدودتر خواهد ساخت. ویتنام با ۲۷ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی، ۷۵/۵ میلیون نفر جمعیت، کسر بودجه ۱۳ درصدی و بخش مالی بی ثبات باید مورد توجه آسه آن که همگرایی منطقه ای بیشتر را در سر می پروراند قرار گیرد. سرمایه گذاری بیش از حد و نامعقول اعضای برجسته آسه آن (عمدتاً مالزی و سنگاپور) در ویتنام، همان قمار را تداعی می کند که کشورهای خارج از منطقه با سرمایه گذاری بی حساب در منطقه شرق آسیا به آن دست زدند و بحران اخیر را به وجود آوردند. دستگیری از ویتنام، لائوس و میانمار که در حقیقت فلسفه پیوستن آنها به آسه آن بهره مند شدن از مزایای اقتصادی ناشی از عضویت در این سازمان بوده است در حال حاضر با دشواری روبروست و همین امر، بحرانی برای مفهوم همگرایی در آسه آن به شمار می رود. چنانچه آسه آن نتواند در کوتاه مدت به یاری این سه کشور بر خیزد زمینه های مساعدی برای تعدیل سیاست های این سه کشور کمونیستی همچون نظامی گری، حکومت کودتا در میانمار، و هموار شدن راه انتقال قدرت به خانم انگ سان سوو کی<sup>۴۹</sup> رهبر جامعه دموکراتیک، برنده جایزه صلح نوبل و نامزد پیروز انتخابات سال ۱۹۹۰ این کشور که به دست نظامیان باطل شد فراهم نخواهد گردید. از طرفی، اگر تحولی در جهت کمک به سه کشور مزبور صورت نگیرد کامبوج که تاکنون از دایره عضویت در اتحادیه آسه آن بیرون مانده است انگیزه خود را برای پیوستن به این اتحادیه از دست خواهد داد و به آرزوی دیرینه آسه آن که همانا در بر گرفتن هر ده کشور آسیای جنوب شرقی است خدشه وارد خواهد آمد.<sup>۴۵</sup>

مشکل دیگری که به بحران اقتصادی اخیر افزوده گردید آتش سوزی جنگل های منطقه سوماترا و جاوه در اندونزی بود که بی تردید نتیجه سیاست های نادرست دولت در واگذار کردن جنگل ها به بخش خصوصی برای تبدیل اراضی جنگلی به زمین های کشاورزی بوده است. نتیجه این فاجعه، آتش گرفتن ۸۰۰ هزار هکتار از این زمینه های جنگلی اندونزی، سرازیر شدن هزاران کشاورز رانده شده از زمین های سوخته به جا کارتا، ایجاد معضلات اجتماعی و اقتصادی و دیگر زیان های غیر قابل جبران بوده است.<sup>۴۶</sup> در اثر انتشار دود حاصل از آتش سوزی جنگل های اندونزی، سنگاپور برای نخستین بار طی ۱۴ سال گذشته با کاهش تعداد جهانگردان دیدار کننده از این کشور روبرو گردیده است و این در حالی است که بخش بزرگی از درآمد سنگاپور از راه پذیرایی از بیش از ۵ میلیون نفر جهانگردی تأمین می شود که هر ساله از این کشور دیدار می کنند.

کاهش ارزش پول کشورهای چینی تایلند، اندونزی، کره جنوبی، مالزی، فیلیپین، و حتی سنگاپور باعث کاهش شدید یا ملایم بهای صادرات این کشورها شده است و این، تأثیرات هشدار دهنده ای برای چین در بر خواهد داشت و سبب گسترش بی ثباتی مالی در این کشور خواهد گردید. از طرفی نیز چین با ۱۰۹۸ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی به دلیل انباشت شدید تولیداتی که از اتومبیل تا مواد پتروشیمی و



پایدارتری از توسعه تلاش عظیمی صورت دهند. هنوز تولید سرانه در این کشورها به مراتب پایین تر از کشورهای توسعه یافته است. تعداد زیادی از مردم منطقه هنوز کارایی لازم را برای انجام امور محوله ندارند و از فنون مدیریت و فن آوری و بهره‌وری بی‌اطلاعند که این خود از دلایل عمده رکود فعلی در منطقه شرق آسیاست. پیش‌بینی نگارنده آن است که این ببرهای زخمی شده طی دو تا سه سال آینده جهش‌های چشمگیری را آغاز خواهند کرد. ادامه کاهش سریع ارزش پول کشورهای شرق آسیا را نباید به‌عنوان نشانه‌ای از ادامه دیربای بحران تلقی کرد. چرا که علت اصلی آن سررسید وام‌های کوتاه‌مدت بوده که باعث شده است دولت‌ها از ذخایر ارزی خود بیشتر استفاده کنند. برای نمونه کره جنوبی که وام‌های کوتاه‌مدت دریافتی آن در سال ۱۹۹۸ بالغ بر ۲۱/۶ میلیارد دلار تخمین زده شده است باید تا ژانویه همین سال مبلغ ۱۲/۲ میلیارد دلار آن را بازپرداخت نماید. دولت سئول توانسته است از طریق مذاکره مهلت بازپرداخت ۷۰ درصد از این وام‌ها را تمدید کند. کره جنوبی باروند کاهش واردات که از سال ۱۹۹۷ آغاز شد و از طریق افزایش صادرات و رونق یافتن آن به واسطه کاهش ارزش و نخواست توانست کسری بودجه خود را به میزان قابل توجهی جبران کند و از راه بازپس گرفتن وام‌های کلان و مسترد نشده‌ای که نزد روسیه، برزیل و اندونزی دارد جبران فرار سرمایه‌ها را نماید.

کشور صنعتی برای یاری رساندن به کره جنوبی و دیگر کشورهای بحران‌زده این منطقه نه از روی دلسوزی برای این کشورها بلکه برای تضمین منافع غرب از محل هموار کردن راه صدور کالاهای مصرفی خود به منطقه است. این حقیقت هنگامی تلخ‌تر جلوه می‌کند که به یاد آوریم هیچ‌کس به فکر مردم آفریقا که هر روز بیش از پیش به موقعیت حاشیه‌ای پرتاب می‌شوند نیست. برای فرونشاندن آتش‌سوزی جنگل‌های اندونزی که نتیجه سوءمدیریت دولت این کشور است تمام جهان بسیج می‌شود ولی هنگامی که در بوروندی کشتارهای میلیونی صورت می‌گیرد هیچ دادخواهی وجود ندارد.

کاهش آهنگ رشد و افول اقتصادی کشورهای منطقه امری قطعی است. رشد واقعی تولید ناخالص داخلی برخی از کشورهای منطقه در سال ۱۹۹۸ چنین برآورد شده است: مالزی از ۸/۲ درصد در سال ۱۹۹۶ به ۳/۸ درصد در سال ۱۹۹۸؛ تایلند از ۶/۷ درصد به ۱/۴ درصد؛ فیلیپین از ۵/۵ درصد به ۳/۵ درصد؛ و اندونزی از ۷/۸ درصد به ۴/۸ درصد. با این حال، رشد اقتصادی آسیا در سال ۱۹۹۸ به مراتب چشمگیرتر از رشد تولید ناخالص داخلی کشورهای توسعه یافته خواهد بود. این امر را می‌توان از مقایسه رقم ۴ درصد رشد برای آسیا با ۲ درصد رقم رشد جهان دریافت. ۵۰ کشورهای شرق آسیا (مگر ژاپن) باید برای رسیدن به سطح بالاتر و

## یادداشت‌ها

1. Chinese Taipei
2. Special Administrative Region (SAR)
3. Lüan
4. Kim - Dae Jung
5. Semi - Convertible Currency
6. Yuan
7. Collective Sector
8. World Trade Organization
9. Zhong Nan Hai
10. Zhu Rongji
11. Timor
12. B. J. Habibie
13. Asia - Pacific Economic Cooperation (APEC)
14. Three Gorges Dam
15. Xiaolangdai
16. Mid - Life Crisis
17. Succession Crisis
۱۸. ر. ک. بهزاد شاهنده، سیاست و حکومت در کشورهای آسیای جنوب شرقی (تهران: سمت، ۱۳۷۴)، بخش اندونزی
19. Jakarta Post, Dec. 24, 1997, p.2.
20. Chuan Leekpai
21. King Bhumibol Adulyadej (RamaVIV)
22. Behzad Shahandeh, The Enrichment of Traditional Values in Malaysia Centre for International Studies, 1995, pp.71.79.
23. Irian Jaya
24. Contextual Factors
25. Malaysian Statistics, 1996, Kuala Lumpur, 1997, p. 20.
26. Paul Krugmann
27. Paul Krugmann, The Miracle of the Sausage Makers (Stanford University Press, 1996).
۲۸. بهزاد شاهنده، «ارزش‌های آسیایی»، سمینار حقوق بشر آسیایی، مرکز فرهنگ و ارتباطات اسلامی، دیماه ۱۳۷۶.
29. Indegeneous Industries
30. "The Baht Gets Bust", HongKong Review (July 30th, 1997).
۳۱. بهزاد شاهنده، سیاست و حکومت در کشورهای آسیای جنوب شرقی (تهران، سمت، ۱۳۷۴)، بخش
۳۲. در دهه گذشته نهادهای بزرگ اقتصادی مانند
32. OPEC Statistics, January 1998.
33. Tonjung Faisal
34. Try - Sutrisno
۳۵. ر. ک. بهزاد شاهنده. سیاست و حکومت در کشورهای آسیای جنوب شرقی، پیشین، بخش اندونزی و ضد کودتای خونین سپتامبر ۱۹۶۵.
36. ASEAN Free Trade Area (AFTA)
- این حوزه براساس موافقتنامه ۱۹۹۲ سنگاپور باید تا سال ۲۰۰۳ ایجاد شود.
37. ASEAN Regional Forum
- این مجمع در سال ۱۹۹۳ تشکیل شد و اکنون با عضویت لائوس و میانمار تعداد اعضای آن به ۲۳ کشور رسیده است.
38. Behzad Shahandeh, "The Asian Miracle", CIDES, Jakarta, Oct. 1997.
39. Behzad Shahandeh, "The Philippines: A New Tiger", Iran News, March 15th, 1997.
40. "Korean Financial Blues", Korean Herald, Oct. 15th, 1997, p.3.
41. Ling Chang Yuel



کمیونست که در اکتبر ۱۹۹۷ برگزار شد تمامی پست‌های خود را از دست داد. ر.ک. به:

Yoichi Funabashi, **An Emerging China in a World of Interdependence**, (New-York: 1997), pp. 101-102.

48. Robert Thomson, "East Asia Turmoil and the West", **Times**, Dec. 28th, 1998, p.6.

49. **Asian Statistics 1998**, Asia Development Bank Analysis, 1998, Colombo, Srilanka

50. **Ibid.**

است که یکی از آنها به کامبوج که هنوز عضو اتحادیه نیست تعلق دارد.

46. "The Mismanaged Economy (The Haze)", **Asia Week**, Oct. 6th 1997, pp.3-4

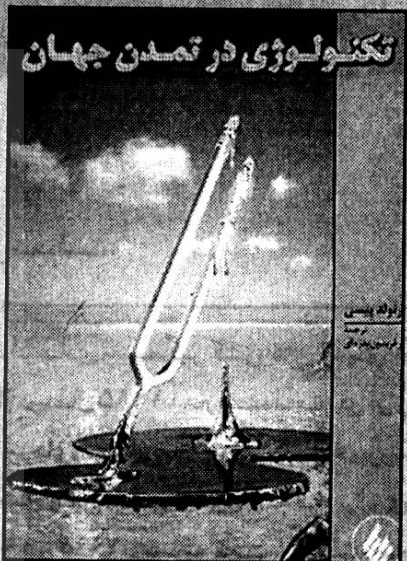
۴۷. لی پنگ به احتمال زیاد مقام ریاست کنگره ملی خلق چین را در اختیار خواهد گرفت و جانشین «چیاوشه» (Qiao Shi) رهبر فعلی این کنگره خواهد شد. چیاو در مدت ریاست خود بر کنگره ملی که پارلمان تشریفاتی کشور محسوب می‌شد جلوه‌ای مستقل به آن داده و قانون‌گرایی را در کشور مطرح ساخته بود ولی وی در پانزدهمین کنگره حزب

سامسونگ، دوو، هیوندای و... بیش از ۸۰ درصد کل سرمایه خود را از بانک‌ها وام گرفته و آن را در طرح‌های جاه طلبانه و غیر اقتصادی صرف کرده‌اند.

۴۳. دولت جدید کیم از نهادهای بزرگ اقتصادی مانند هیوندای، دوو، ال‌جی و... خواسته است که تا سال ۲۰۰۰ میلادی رسماً ترازنامه مالی خود را منتشر کنند. این در حالی است که در گذشته هیچ یک از آنها ترازنامه خود را منتشر نمی‌ساخت و همگان به غلط بر این گمان بودند که این بنگاه‌های صنعتی و اقتصادی در اوج شکوفایی به سر می‌برند.

44. Aung San Suuky

۴۵. در حال حاضر، نماد اتحادیه آسه. آن ده خوشه گندم



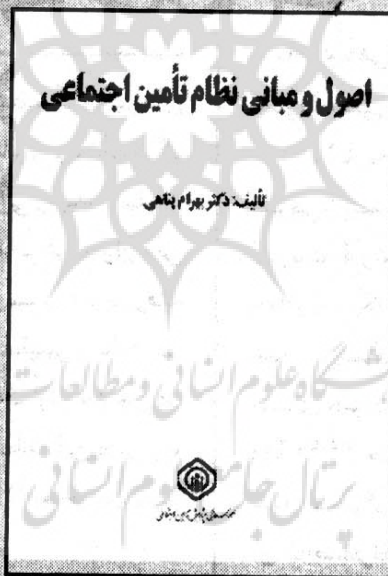
تکنولوژی در تمدن جهان

آرونولدیسی

ترجمه دکتر فریدون پلره‌ای

نشر و پژوهش فرزاد روز

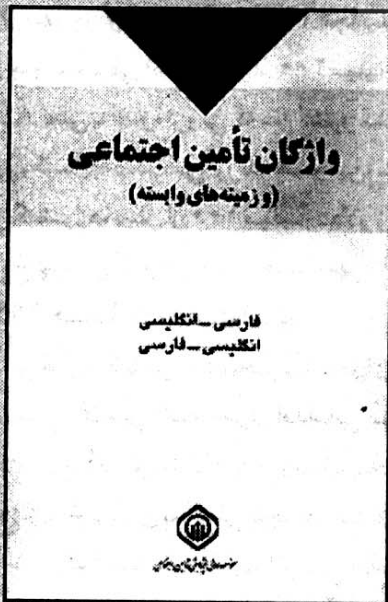
قیمت ۱۵۰۰ تومان



اصول و مبانی نظام تأمین اجتماعی

تألیف: دکتر بهرام پناه

مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی



واژگان تأمین اجتماعی  
(واژه‌ها و واژه‌ها)

فارسی - انگلیسی  
انگلیسی - فارسی



سازمان تأمین اجتماعی

واژگان تأمین اجتماعی

زیر نظر دکتر سید محمدعباس زادگان

انتشارات سوره، حوزه هنری سازمان

تبلیغات اسلامی